بهترین جواب برای

 حکم تصویر و مجسمه‌سازی

**نویسنده:**

**عبدالعزیز بن عبدالله بن باز**

**ترجمه:**

**اسحاق دبیری**/

|  |  |
| --- | --- |
| **عنوان کتاب:** | بهترین جواب برای حکم تصویر و مجسمه‌سازی |
| **تألیف:** | عبدالعزیز بن عبدالله بن باز |
| **مترجم:** | اسحاق دبیری |
| **موضوع:** | فقه عام |
| **نوبت انتشار:**  | اول (دیجیتال)  |
| **تاریخ انتشار:**  | دی (جدی) 1394شمسی، ربيع الأول 1437 هجری |
| **منبع:**  | کتابخانه عقیده www.aqeedeh.com |
| **این کتاب از سایت کتابخانۀ عقیده دانلود شده است.****www.aqeedeh.com** |  |
| **ایمیل:** | **book@aqeedeh.com** |
| **سایت‌های مجموعۀ موحدین** |
| www.mowahedin.comwww.videofarsi.comwww.zekr.tvwww.mowahed.com |  | www.aqeedeh.comwww.islamtxt.com[www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)www.sadaislam.com |
|  |  |
|  |
| contact@mowahedin.com |

بهترين جواب براي حكم تصوير

# سؤال: حكم تصوير كه امروزه همه گير شده و مردم در آن فرو رفته‌اند چيست؟

**لطفاً جواب را بطور كامل بفرمائيد و توضيح دهيد چه نوع آن حلال و چه نوع حرام است؟**

جواب: الحمد لله وحده والصلاة والسلام علی من لا نبي بعده، أما بعد:

روايت‌هاي بسياري در كتب صحاح، مسندها و سنن از پيامبرص روايت شده كه دال بر حرام بودن هر گونه تصوير از موجودات جاندار مي‌باشد؛ خواه انسان باشد يا حيوان، و نيز دال بر پاره كردن پارچه‌هايي كه داراي عكس و صورت مي‌باشند و امر شده به پاك نمودن و از بين بردن تصاوير و عكس و همچنين به تصوير كشان نفرين فرستاده شده و به شديد‌ترين عذاب در دوزخ تهديد شده‌اند.

 در اينجا من گزيده‌اي از احاديث صحيحي كه در اين موضوع گفته شده‌اند بيان مي‌كنم و نظرات برخي دانشمندان را مي‌آورم و رأي درست را ان شاء الله بيان مي‌كنم.

در صحيحين از ابي هريره نقل شده و مي‌گويد: پيامبرص فرمود: «قال الله تعالى:وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذَهَبَ يَخْلُقُ خَلْقًا كَخَلْقِى فَلْيَخْلُقُوا ذَرَّةً أَوْ لِيَخْلُقُوا حَبَّةً أَوْ لِيَخْلُقُوا شَعِيرَةً»[[1]](#footnote-1).

«خداوند فرمود: ظالم‌تر از كسي كه به مانند مخلوقات من موجوداتي را مي‌سازند كيست؟ (اگر مي‌توانند) ذره‌اي يا دانه‌اي و يا يك دانه جو را بسازند»!!.

و نيز در صحيحين آمده كه از ابن مسعود نقل شده كه پيامبرص فرمود:

«إنّ أَشَدِّ النَّاسِ عَذَابًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ الْمُصَوِّرُونَ».

يعني: «معذبترين مردم در روز قيامت صورتگران (عكاسان) مي‌باشند»!!؟.

و از ابن عمرب در كتاب صحيحين آمده كه پيامبرص فرمودند:

«إِنَّ الَّذِينَ يَصْنَعُونَ هَذِهِ الصُّوَرَ يُعَذَّبُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُقَالُ لَهُمْ أَحْيُوا مَا خَلَقْتُمْ»[[2]](#footnote-2).

يعني: «كساني كه اين تصاوير را مي‌كشند در روز رستاخيز تعذيب داده مي‌شوند و به آنان گفته مي‌شود: آنچه درست كرده ايد دوباره زنده كنيد».

و امام بخاري در صحيح خود آورده كه أبي جحيفه مي‌گويد: پيامبرص از خريد و فروش خون، سگ و كسب بغي نهي فرمودند و ربا خواران و وكيل آنها و به كساني كه در خود و يا ديگران خالكوبي مي‌كنند و نيز به تصوير گران لعن و نفرين فرستاد.

از ابن عباسب روايت شده كه گفت: از پيامبرص شنيدم كه فرمود**:** «مَنْ صَوَّرَ صُورَةً فِى الدُّنْيَا كُلِّفَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَنْ يَنْفُخَ فِيهَا الرُّوحَ ، وَلَيْسَ بِنَافِخٍ»[[3]](#footnote-3).

يعني: «كسي كه در دنيا شكلي را بتصوير بكشد (در قيامت) وي را مجبور مي‌كنند كه در آن روح بدمد در حالي كه نمي‌تواند».

از سعيد بن أبي الحسن آمده كه گفت: مردي پيش عبد الله بن عباس آمد و گفت: شغل من تصوير گري است و اين تصوير‌ها را مي‌كشم در اين باره برايم فتوا بده.

ابن عباس فرمود: به من نزديك شو. آن مرد هم به او نزديك شد سپس گفت نزديك‌تر بيا. آنقدر نزديك شد كه ابن عباس دستش را روي سر آن مرد گذاشت و گفت: آنچه از پيامبرص شنيده‌ام مي‌گويم، از پيامبر شنيدم كه مي‌فرمود:

«كُلُّ مُصَوِّرٍ فِى النَّارِ يَجْعَلُ لَهُ بِكُلِّ صُورَةٍ صَوَّرَهَا نَفْسًا فَتُعَذِّبُهُ فِى جَهَنَّمَ».

وقال: «إِنْ كُنْتَ لاَ بُدَّ فَاعِلاً فَاصْنَعِ الشَّجَرَ وَمَا لاَ نَفْسَ لَهُ». يعني: «هر تصوير گري در آتش است، و به ازاي هر تصوير هر نفسي كه كشيده او را در جهنم قرار مي‌دهند كه او را تعذيب دهند. سپس ابن عباس گفت: اگر هم خواستي اين كار را انجام دهي درخت و اشياء بي‌جان را به تصوير بكش».

و امام بخاري هم اين قول ابن عباس را كه مي‌گويد**:** «إِنْ كُنْتَ لاَ بُدَّ فَاعِلاً». را همچون مسلم ذكر كرده.

و ترمذي در جامع خود اين حديث را نقل نموده و مي‌گويد: اين حديث حسن و صحيح است.

أبي زبير از جابر ب نقل نموده كه گفت: پيامبرص از هر گونه تصوير در خانه و از اينكه تصويري ساخته شود نهي فرمود[[4]](#footnote-4).

بهترين جواب براي حكم تصوير و مجسمه‌سازي

**نويسنده: عبد العزيز بن عبد الله بن باز**

از عايشهل روايت شده که گفت: پيامبرص پيش من آمد و من پرده‌اي را بر روي چوبي آويزان كرده بودم كه در آن تصاويري كشيده شده بود. وقتي كه پيامبرص چشمش به پرده افتاد آنرا پاره كرد و سر و صورتش تغيير كرد و گفت:

«يَا عَائِشَةُ أَشَدُّ النَّاسِ عَذَابًا عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الَّذِينَ يُضَاهُونَ بِخَلْقِ اللَّهِ».

يعني: «دردناكترين عذاب در روز قيامت از آن كساني است كه مانند مخلوق و مصنوع خدا را مي‌سازند». عائشهل فرمود: سپس از آن يك يا دو پشتي ساختيم. بخاري آنرا تخريج نموده.و نيز از عايشهل نقل شده و گفت: پيامبرص از سفري بر گشت و من پارچه‌اي را كه در آن تصاويري كشيده شده بود آويزان كرده بودم. دستور فرمودند كه آنرا بر دارم كه من آنرا از ديوار كندم. بخاري اين حديث را روايت كرده و مسلم نيز همين روايت را با اين لفظ آورده: ... كه من پارچه‌اي را بر روي در آويزان كرده بودم كه در آن تصاوير اسبهايي با بال كشيده شده بود كه به من دستور دادند و آنرا كندم. از قاسم بن محمد نقل شده كه عايشهل به او خبر داد:

بالشي را خريده بود كه برروي آن تصاويري كشيده شده بود، هنگامي كه پيامبرص آنرا ديد بر سر در ايستاد و داخل نشد و در سيمايش فهميد كه از چيزي بدش مي‌آيد، و عايشه فرمود: يا رسول الله! به نزد خدا و رسولش توبه مي‌كنم، چه گناهي مرتكب شده‌ام؟ پيامبرص فرمود: اين پشتي چيست؟ عايشه گفت: آنرا براي شما خريده‌ام تا بر روي آن بنشينيد و به آن تكيه كنيد. پيامبرص فرمود: «إِنَّ أَصْحَابَ هَذِهِ الصُّوَرِ يَوْمَ الْقِيَامَة. فَيُقَالُ لَهُمْ أَحْيُوا مَا خَلَقْتُمْ. وَقَالَ إِنَّ الْبَيْتَ الَّذِى فِيهِ الصُّوَرُ لاَ تَدْخُلُهُ الْمَلاَئِكَةُ»[[5]](#footnote-5).

 يعني: «سازندگان اين تصاوير در روز قيامت تعذيب داده مي‌شوند و به آنان گفته مي‌شود: آنچه كه ساخته ايد زنده گردانيد. و گفت: كه خانه‌اي كه در آن تصوير باشد ملائكه در آن داخل نمي‌شومد». بخاري و مسلم اين روايت را نقل كرده‌اند و مسلم از روايت ابن ماجشون اين جمله را افزوده كه عايشه فرمود: آنرا برداشتم و از آن دو تا پشتي ساختم كه در خانه به آن تكيه مي‌دادند. و از ابن‌عباسب نقل شده كه پيامبرص فرمود: «لا تَدْخُلُ الْمَلائِكَةُ بَيْتًا فِيهِ كَلْبٌ وَلا تَمَاثِيلَ»[[6]](#footnote-6).

يعني: «ملائكه وارد خانه‌اي نمي‌شود كه در آن سگ و يا تمثال باشد».

و مسلم از زيد بن خالد و او از ابي طلحه بطور مرفوع نقل نموده كه پيامبر ص فرمود: «لا تَدْخُلُ الْمَلائِكَةُ بَيْتًا فِيهِ كَلْبٌ وَلا صُورَةُ».

يعني: «ملائكه وارد خانه‌اي نمي‌شود كه در آن سگ و يا تصاوير باشد». مسلم از طريق عايشه و ميمونه هم مانند اين روايت را نقل كرده است. مسلم همچنين از ابي‌الهياج اسدي نقل نموده که گفت: علي س به من گفت:

آگاه باش تو را به چيزي بر مي‌انگيزم كه پيامبر ص من را به آن بر انگيخته است و آن اين است كه هيچ تصويري را جا نگذاري مگر اينكه آنرا از بين ببري و هر قبري را كه ديدي برآمدگي داشت آنرا با خاك يكسان نمايي.

 ابو داود با سند جيد، از جابر س نقل نموده كه پيامبر ص هنگام فتح مكه در بطحاء به عمر بن خطاب س امر فرمود كه به كعبه رود و تمام تصاويري كه در آن هست از بين ببرد، و پيامبر ص وارد مكه نشد تا تمام تصاوير برداشته شد. ابو داود طيالسي در مسند خود از اسامه نقل كرده كه گفت: در كعبه نزد پيامبرص رفته آنجا تصاويري را ديد، پيامبرص دلوي از آب را خواست، آنرا تهيه كردم شروع كرد به پاك كردن آنها و مي‌گفت: «قَاتَلَ اللَّهُ قَوْمًا يُصَوِّرُونَ مَا لا يَخْلُقُونَ».

يعني: «خدا قومي را نابود كند كه چيزهايي را به تصوير مي‌كشند كه نمي‌توانند آنها را خلق نمايند». و امام بخاري در صحيح خود از عايشهل نقل كرده كه: پيامبرص در خانه خودش هر چيزي را كه مي‌ديد در آن تصاويري وجود دارد حتماً آنرا از بين مي‌برد.

در صحيحين آمده كه بسر بن سعيد از زيد بن خالد و او از ابي طلحه نقل نموده كه پيامبرص فرمود**:** «أَنَّ الْمَلاَئِكَةَ لاَ تَدْخُلُ بَيْتًا فِيهِ صُورَةٌ».

يعني: «ملائكه وارد خانه‌اي نمي‌شود كه در آن تصوير باشد». بسر گفت: سپس زيد بيمار گشت و ما به عيادتش رفتيم، بر سر در خانه زيد پارچه‌اي را ديدم كه بر روي آن تصاويري كشيده شده بود، به عبيد الله خولاني، ربيب ميمونه همسر پيامبرص گفتم: چرا زيد روز اول در باره اين تصاوير چيزي نگفت؟ عبيدالله گفت: مگر نشنيدي كه گفت: «إلا رقماً في ثوب» بغير از آنچه كه برروي لباس كشيده شده است.

و در روايتي ديگر از آن دو از طريق عمرو بن حارث از بكير اشج و او از بسر نقل مي‌كند كه به عبيد الله خولاني گفته: چرا در مورد تصاوير چيزي نگفت؟ جواب داد كه گفت: «إلا رقماً في ثوب» مگر نشنيدي؟ گفتم: نه، و گفت: بله اين را گفت.

 و در مسند و سنن نسائي، از عبيدالله بن عبد الله نقل شده كه او پيش أبي طلحه انصاري براي عيادتش رفته نزد او سهل بن حنيف را مي‌يابد، ابو طلحه به كسي كه آنجا بوده دستور مي‌دهد فرش نمطي خانه را پاره كند، سهل به او گفت: چرا آن را پاره مي‌كنيد؟ ابو طلحه گفت: چون در آن تصاوير وجود دارد. و پيامبرص دربارة تصاوير آنچه كه خودت مي‌داني گفته! سهل گفت: مگر پيامبرص نفرمود: «إلا رقماً في ثوب»؟ ابو طلحه فرمود: بله اين را گفت ولي من خودم اين را ترجيح مي‌دهم و براي خودم اين بهتر است. سند اين روايت جيّد است و ترمذي نيز با همين لفظ روايت كرده و گفته: سند حديث حسن و صحيح مي‌باشد.

ابوداود و ترمذي و نسائي با سند جيّد از ابي هريره روايت مي‌كنند كه گفت:

پيامبرص فرمود**:** «أتانى جِبْرِيلُ فقال لى إنى كنت أَتَيْتُكَ الْبَارِحَةَ فلم يَمْنَعْنِى أن أَكُونَ دَخَلْتُ عليك البيت الذى كنتَ فيه إِلاَّ أَنَّهُ كَانَ على الْبَابِ تَمَاثِيلُ وَكَانَ فى الْبَيْتِ قِرَامُ سِتْرٍ فِيهِ تَمَاثِيلُ وَكَانَ فِى الْبَيْتِ كَلْبٌ فَمُرْ بِرَأْسِ التِّمْثَالِ الَّذِى فِى الْبَيْتِ فَلْيُقْطَع فَيَصِيرُ كَهَيْئَةِ الشَّجَرَةِ وَمُرْ بِالسِّتْرِ فَلْيُقْطَعْ فَلْيُجْعَلْ مِنْهُ وِسَادَتَيْنِ مَنْبُوذَتَيْنِ تُوطَآنِ وَمُرْ بِالْكَلْبِ فَلْيُخْرَجْ»..

يعني: «جبرئيل نزد من آمد و به من گفت: ديشب نزد تو آمدم ولي چيزي كه مانع ورود من به داخل خانه گشت اين بود كه: بر روي در خانه تصاوير وجود داشت و در داخل خانه سرا پرده با تصاوير آويزان شده بود و نيز در داخل خانه سگ وجود داشت پس سر تصاوير را قطع كن تا شبيه درخت شود و دستور دهيد پارچه را قطعه قطعه كنند و از آن دو تا پشتي بسازند كه دور انداخته شده و در زمين پهن شوند، و دستور دهيد سگ را بيرون كنند. پيامبرص اين كار را انجام داد و سگ را كه از حسن يا حسين بود دستور داد و خارج نمودند». اين لفظ ابو داود بود و لفظ ترمذي نيز به همين شيوه است و لفظ نسائي: «اسْتَأْذَنَ جِبْرِيلُ عَلَى النَّبِىِّ فَقَالَ: ادْخُلْ. فَقَالَ كَيْفَ أَدْخُلُ وَفِى بَيْتِكَ سِتْرٌ فِيهِ تَصَاوِيرُ فَإِمَّا أَنْ تُقْطَعَ رُءُوسُهَا أَوْ تُجْعَلَ بِسَاطًا يُوطَأُ فَإِنَّا مَعْشَرَ الْمَلاَئِكَةِ لاَ نَدْخُلُ بَيْتًا فِيهِ تَصَاوِيرُ».

يعني: «جبرئيل از پيامبرص اذن خواست كه وارد خانه شود، پيامب ص فرمود: داخل شو؛ جبرئيل در جواب گفت: چگونه وارد خانه شما شوم در حالي كه در خانه تو پارچه‌اي كه تصاوير در آن هست وجود دارد؟ يا سر آنها را قطع كن يا آنرا مانند فرش در زمين پهن كن؛ زيرا ما جمع فرشتگان وارد خانه‌اي نمي‌شويم كه در آن تصاوير وجود داشته باشد. در اين موضوع احاديث فراواني وجود دارد كه ما ذكر نكرديم».

اين احاديث و آنچه در معناي آنهاست بطور ظاهر دلالت مي‌كنند بر اينكه تصوير كشيدن هر موجود زنده‌اي حرام است و در زمره گناهان كبيره است كه مرتكبين آن را به آتش دوزخ وعده مي‌دهند. و اين شامل هر نوع تصويري مي‌شود، خواه تصوير سايه داشته باشد يا نداشته باشد و يا اينكه تصوير بر روي ديوار باشد يا بر روي پارچه يا پيراهن يا آينه يا برروي كاغذ و ... كشيده شده باشد. بلكه تصويرگر نفرين و لعن شده و بيان شده كه تصويرگران دردناكترين و شديد‌ترين عذاب را در قيامت خواهند داشت و هر تصويرگري در آتش است و اين را بطور عام و مطلق آورده و هيچ استثنائي هم قايل نشده. و چيزي كه عموميت را مي‌رساند آن است كه وقتي پيامبرص تصاوير را برروي پارچه نزد عايشهل ديدند آنرا پاره كردند و چهره شان تغيير نمود و فرمودند:«إِنَّ أَشَدُّ النَّاسِ عَذَابًا عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الَّذِينَ يُضَاهُونَ بِخَلْقِ اللَّهِ».و در لفظي ديگر مي‌فرمايند: «إِنَّ أَصْحَابَ هَذِهِ الصُّوَرِ يُعَذَّبُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيُقَالُ لَهُمْ أَحْيُوا مَا خَلَقْتُمْ».

اين لفظ و ساير روايات مشابه دليل است براي عموميت مسأله خواه تصوير بر روي پارچه باشد و يا غير آن ...

و اما آنچه در روايات ابي طلحه و سهل بن حنيف آمده كه مي‌گويد: «إلا رقماً في ثوب»اين استثناء است از موارد تصويرهايي كه مانع ورود ملائكه به خانه مي‌شود نه استثناء از تصوير، و اين مسأله از سياق حديث فهميده مي‌شود، و منظور از آن اين است كه: بايد شكل و صورت برروي پارچه و امثال آن بگونه‌اي باشد كه در زمين پهن گردد و يا بي‌ارزش جلوه نمايد و یا بر پشتي و ... باشد كه بي‌ارزش باشند و آنرا گرامي ندارند. و روايتي كه عايشه آنرا نقل نمود كه پارچه‌ها را قطعه قطعه نمود و از آن پشتي ساخت بر اين امر دلالت مي‌كند و نيز حديثي كه ابي هريره روايت نمود و قول جبرئيل به پيامبرص كه مي‌فرمايد: «فَمُرْ بِرَأْسِ التِّمْثَالِ الَّذِى فِى بَابِ الْبَيْتِ يُقْطَعْ فَيَصِيرَ كَهَيْئَةِ الشَّجَرَةِ وَمُرْ بِالسِّتْرِ فَلْيُقْطَعْ فَلْيُجْعَلْ مِنْهُ وِسَادَتَيْنِ مَنْبُوذَتَيْنِ تُوطَآن».و پيامبر هم همين كار را انجام داد. اين دليل است بر اثبات مدعاي ذكر شده.

درست نيست كه استثناء را بر تصاوير موجود در پارچه‌هاي آويزان و يا آنچه بر در و ديوار آويخته شده‌اند، حمل نمود زيرا حديث عايشهل صراحتاً بر حرام بودن اينها دلالت مي‌كند و دليل است بر واجب بودن برداشتن آن و پاره كردن آنها همانطور كه بيان گرديد. و آنچه كه ابي هريره نقل كرده صراحتاً مي‌گويد اين پارچه‌ها مانع از ورود ملائكه به خانه‌ها مي‌شوند تا اينكه برروي زمين پهن گردند و يا سر مجسمه‌ها قطع شوند تا شبيه درخت شوند؛ و معلوم است كه احاديث پيامبرص با هم متناقض نيستند، بلكه بعضي از آنها بعضي ديگر را پشتيباني نموده و تأييد مي‌كند، و هر وقت مجالي براي جمع دو حديث باشد اين كار واجب است. و همانطور كه در علم اصول و علوم حديث ذكر شده بايد مقررات مربوط به ترجيح و نسخ رعايت گردد. و حافظ ابن حجر / در فتح الباری آنچه من برگزيده‌ام ترجيح داده و مي‌گويد:

خطابي گفته: تصاويري كه ملائكه بخاطر آنها وارد خانه نمي‌شوند، آنهايي هستند كه نگهداري آنها حرام است مانند تصوير اشياء جانداري كه سر آنها قطع نشده و يا نامحترم نباشند. همچنين خطابي مي‌گويد: علت اينكه عقوبت تصويرگر بزرگ شمرده شده، اين است كه اين تصاوير پرستيده مي‌شدند و نگاه كردن به آنها باعث فتنه شده و بعضي از نفوس به آن تمايل پيدا مي‌كنند.

امام نووي در شرح مسلم مي‌فرمايد: اين باب مربوط است به مبحث حرام بودن تصوير برداري از حيوانات و تحريم تصويرهايي كه برروي فرشها و غيره است كه گرامي داشته مي‌شوند؛ و اينكه فرشتگان وارد خانه‌اي نمي‌شوند كه در آن سگ و تصوير باشد. و نووي ادامه مي‌دهد و مي‌گويد اصحاب ما و علماي ديگر هم مي‌گويند: تصوير هر حيوان جنبنده‌اي شديداً حرام است و از جمله گناهان كبيره مي‌باشد؛ زيرا آنها به شديدترين شيوه تهديد شده‌اند؛ همانگونه كه در احاديث ذكر شده آمد. ساختن و درست كردن تمثال و كشيدن تصوير در هر صورت حرام است خواه برروي اشياء محترم باشد يا غير محترم و بي‌ارزش، زيرا اين شغل و صنعت حرام است چون همانند سازي است به مخلوقات خداوند است خواه برروي لباس، پارچه، پول، سكه، درهم، دينار، ظروف و يا برروي ديوار و غيره كشيده شود، ولي رحل شتر و امثال آن كه صورت حيوان و جانداري در آن نباشد حرام نيست. اما برداشتن عكسي كه در آن تصوير موجود زنده‌اي باشد، اگر برروي ديوار آويزان باشد يا لباس پوشيدني باشد يا عمامه و امثال آن باشد كه بي‌ارزش نيستند اين موارد حرام هستند؛ و اگر تصوير برروي بساطي كه لگد مال مي‌شوند و يا بالش و پشتي و امثال اينها باشد كه خوار و بي‌مقدار هستند از لحاظ معنوي اشكالي ندارد تا آنجا كه نووي گفت: تفاوتي نيست در تمامي موارد ذكر شده خواه سايه داشته باشد يا نداشته باشد.

اين خلاصه آراء و نظرات مذهب ماست در اين مسأله و همين معني و مفهوم را جمهور علماء از صحابه و تابعين و غيره گفته‌اند و اين مذهب ثوري، مالك، ابي حنيفه و غيره مي‌باشد.

و برخي از سلف مي‌گويند: آنچه كه مورد نهي است، تصاويري است كه سايه داشته باشند و آنچه كه سايه ندارد مشكلي ندارد. ولي اين مذهب باطل است؛ زيرا تصويري كه پيامبرص از آن نهي فرمود سايه نداشت و همچنين بقيه موارد ذكر شده.

و حافظ بعد از آوردن خلاصه نظر نووي مي‌گويد: مي‌گويم روايتي كه امام احمد از علي نقل كرده عام است و شامل سايه دار و بي‌سايه مي‌شود كه مي‌فرمايد: «أيّكم ينطلق إلی الـمدينة فلا يدع بها وثنا إلا كسره ولا صورة إلا لطخها» يعني: «هر كس از شما به سوي مدينه رفتيد هيچ بتي را نگذاريد مگر اينكه آنها را بشكنيد و هر تصويري را ديديد آنرا بزنيد». و نيز آمده كه: هر كس به چنين صنعتي برگردد به آنچه بر محمد نازل شده كافر گشته است.

مي‌گويم: هر كس در احاديث ذكر شده اندك تأملي بكند برايش روشن خواهد شد كه اين مسأله عام است و هيچگونه تفاوتي ميان سايه دار و بي‌سايه نمي‌باشد. همانگونه كه توضيح آن گذشت.

اگر پرسيده شود همانطور كه در روايت زيد بن خالد از ابي طلحه آمده كه مي‌گويد بعد از اينكه زيد بيمار گشت و ما به عيادتش رفتيم و بر سَر دَر خانه ايشان پارچه مصور آويزان شده بود. ظاهراً اين را مي‌رساند كه زيد معتقد بوده آويزان نمودن اين پارچه‌ها جايز است!.

جواب: احاديثي كه از عايشهل نقل شد و آنچه در معناي آنها آمده بدون شك دلالت مي‌كنند بر تحريم پارچه‌هايي كه بر آنها تصوير كشيده شده است و نيز دليل است بر وجوب پاره كردن و از بين بردن آنها و همچنين باعث تنفر فرشتگان مي‌شود و وارد خانه‌اي نمي‌شوند كه در آن اين تصاوير وجود داشته باشد.

واگر اين احاديث صحيح باشند و فرموده رسول اللهص باشند گفته و نظر يك نفر نمي‌تواند با آن مخالفت كند، بلكه بر مؤمن و مسلمان واجب است كه از آن تبيعت نموده و به آن چنگ بزند و هر آنچه مخالف اين احاديث است بايد رد نمايد. همانطور كه داوند جل جلاله كه در سوره حشر مي‌فرمايد: ﴿وَمَآ ءَاتَىٰكُمُ ٱلرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَىٰكُمۡ عَنۡهُ فَٱنتَهُواْ﴾ [الحشر: 7].

«چيزهائي را كه پيغمبر براي شما (از احكام الهي) آورده است اجراء كنيد و از چيزهائي كه شما را از آن باز داشته است، دست بكشيد».

 ودر سورةه نور آيه: 54 مي‌فرمايد: ﴿قُلۡ أَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُواْ ٱلرَّسُولَۖ فَإِن تَوَلَّوۡاْ فَإِنَّمَا عَلَيۡهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيۡكُم مَّا حُمِّلۡتُمۡۖ وَإِن تُطِيعُوهُ تَهۡتَدُواْۚ وَمَا عَلَى ٱلرَّسُولِ إِلَّا ٱلۡبَلَٰغُ ٱلۡمُبِينُ ٥٤﴾ [النور: 54]. «بگو از خدا و از پيغمبر اطاعت كنيد، اگر سر پيچي كرديد وروي گردان شديد بر او انجام چيزي واجب است كه بر دوش وي نهاده شده است و بر شما هم انجام چيزي واجب است كه بر دوش شما نهاده شده است اما اگر از او اطاعت كنيد هدايت خواهيد يافت، بر پيغمبر چيزي جز ابلاغ روشن و تبليغ آشكار نيست».

خداوند در اين آيه هدايت را براي كسي كه از پيغمبر اطاعت مي‌كند تضمين نموده است. و خداوند مي‌فرمايد:

﴿فَلۡيَحۡذَرِ ٱلَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنۡ أَمۡرِهِۦٓ أَن تُصِيبَهُمۡ فِتۡنَةٌ أَوۡ يُصِيبَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [النور: 63].

«آنان كه با فرمان او مخالفت مي‌كنند بايد از اين بترسند كه بلائي گريبانگيرشان گردد، يا اينكه عذاب درد ناكي دچارشان شود».

شايد زيد نمي‌دانست كه در پارچه آويزان شده تصوير هست، و يا احاديثي كه دال بر تحريم آويزان كردن پارچه‌هايي به تصوير كشيده شده مي‌باشند به او نرسيده باشد، و به ظاهر قول پيامبر ص كه مي‌فرمايد:

«إلا رقماً في ثوب»عمل نموده، بنابراين معذور مي‌باشد چون به آن آگاهي نداشته است.

ولي كساني كه براين احاديث صحيح علم و آگاهي دارند هيچ عذري براي مخالفت با آن ندارند، و اگر كسي، تنها بخاطر هوا و آرزوي نفساني خود و يا بخاطر تقليد از شخصی با اين روايات مخالفت ورزد، مستوجب غضب و عذاب پروردگار مي‌شود. و ترس آن مي‌رود كه دچار لغزش قلب و فتنه قلبي شود، همانگونه كه خداوند هشدار مي‌دهد و مي‌فرمايد: ﴿فَلۡيَحۡذَرِ ٱلَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنۡ أَمۡرِهِۦٓ أَن تُصِيبَهُمۡ فِتۡنَةٌ﴾.

و يا در سوره صف آيه 5 چنين مي‌فرمايد: ﴿فَلَمَّا زَاغُوٓاْ أَزَاغَ ٱللَّهُ قُلُوبَهُمۡ﴾ [الصف: 5].

«آنان چون از حق منحرف شدند خداوند دل‌هاشان را بيشتر از حق دور داشت». و يا در سوره توبه مي‌فرمايد:﴿فَأَعۡقَبَهُمۡ نِفَاقٗا فِي قُلُوبِهِمۡ﴾ [التوبة: 77].

«خداوند نفاق را در دل‌هايشان پديدار و پايدار ساخت».

حديثي كه ابي هريره روايت نمود دليل بر آن است كه تصوير و تمثال اگر سر آن جدا شده باشد درست است آنرا در خانه نگهداري كرد؛ زيرا آن وقت همچون درخت مي‌ماند، و اين بدان معني است كه تصوير درخت و امثال آن از نباتات و گياهان جايز است، همانطور كه صراحتاً از حديثي كه شيخين از ابن عباس روايت كرده‌اند معلوم مي‌شود.

و نيز از حديث ابي هريره مي‌توان استنباط نمود كه قطع غير سر از اعضاي مجسمه كافي نيست و استعمال آن مباح نمي‌باشد و ممانعت ورود ملائكه برداشته نمي‌شود.

زيرا پيامبرص دستور فرموده كه تصاوير را پاره كرده و آنرا محو و نابود سازيد و بيان فرموده كه اين تصاوير مانع ورود ملائكه به خانه مي‌شود مگر مواردي كه استعمال آنها بي‌ارزش و پست باشد و يا سر آن بريده شده باشد. در غير اينصورت هر كسي ادعايي براي جواز آن داشته باشد بايد از كتاب و سنت دليل بياورد وگرنه پذيرفته نخواهد شد. زيرا پيامبرص فرموده: تصوير وقتي كه سر آن قطع شد باقيمانده آن همانند درخت خواهد بود و اين دليل مي‌شود براي اينكه جواز بقاي آن، بيرون رفتن از شكل موجودات داراي روح مي‌باشد و تشابه به جمادات است؛ و اگر قسمت پائين تصوير قطع شود اينگونه نخواهد بود چون صورت آن باقي خواهد ماند و در خلق سر و صورت تكاملي وجود دارد كه در بقيه اعضاي بدن ديده نمي‌شود، پس نمي‌توان بقيه اعضا را به سر قياس نمود.

با اين توضيحات براي كسي كه طالب حق و حقيقت است روشن است كه تصوير سر و بقيه اعضاي حيوان داخل در تحريم مي‌باشد و مانع ورود ملائكه مي‌گردد؛ زيرا احاديث مذكور شامل اين هم مي‌شود و هيچ كس نمي‌تواند از عموم آن استثناء قايل شود غير از آنچه شارع استثناء نموده باشد. و هيچ‌گونه تفاوتي نيست ميان اينكه اين تصاوير مجسمه باشند يا نقاشي بر روي پارچه، كاغذ و يا امثال اينها. تفاوتي نيست ميان تصاوير آدمي و غير آدمي بلكه شامل هر موجود زنده‌اي مي‌شود. و نيز تفاوتي ميان تصوير پادشاه و عالم و دانشمند و افراد عادي نيست بلكه نهی در تصوير افراد بزرگ و دانشمندان بيشتر و شديد‌تر است و فتنه انگيزي آنها بزرگتر است و گذاشتن عكس و تمثال آنها در مجالس و تعظيم آنها از بزرگ‌ترين وسايل شرك و پرستش غير خدا بحساب مي‌آيد، همانگونه كه براي قوم نوح پيش آمد و در كلام خطابي هم اشاره‌اي به اين مسأله شد.

در عهد جاهلي، تصوير و تمثال خيلي زياد بود و بسيار تعظيم مي‌شدند و بجاي خدا پرستيده مي‌شدند تا اينكه خداوند پيامبر را فرستاد و بتها را شكست و تصاوير را محو و نابود ساخت و شرك و وسايل آن را برداشت. پس هر كس تصويري را بكشد يا در جايي نصب كند يا تعظيم كند به كفار تشابه ورزيده و باب شرك را بر مردم باز نموده و هر كس دستور ساخت تصوير را صادر نمايد و يا به آن رضايت دهد حكم او همچون سازنده خواهد بود و مستحق همان وعده وعيدي است كه به سازنده داده شده است چون در قرآن و سنت و نيز در كلام اهل علم آمده كه امر به گناه و معصيت و راضي بودن به آن حرام است همانگونه كه براي فاعل آن حرام است خداوند جل جلاله مي‌فرمايد:

﴿وَإِذَا رَأَيۡتَ ٱلَّذِينَ يَخُوضُونَ فِيٓ ءَايَٰتِنَا فَأَعۡرِضۡ عَنۡهُمۡ حَتَّىٰ يَخُوضُواْ فِي حَدِيثٍ غَيۡرِهِۦۚ وَإِمَّا يُنسِيَنَّكَ ٱلشَّيۡطَٰنُ فَلَا تَقۡعُدۡ بَعۡدَ ٱلذِّكۡرَىٰ مَعَ ٱلۡقَوۡمِ ٱلظَّٰلِمِينَ ٦٨﴾ [الأنعام: 68].

«هر گاه ديدي كساني به تمسخر و طعن در آيات ما مي‌پردازند از آنان روي بگردان تا آنگاه كه به سخن ديگري مي‌پردازند. اگر شيطان از ياد تو برد، پس از بخاطر آوردن، با قوم ستمكاران منشين».

و نيز در سوره نساء مي‌فرمايد:

﴿وَقَدۡ نَزَّلَ عَلَيۡكُمۡ فِي ٱلۡكِتَٰبِ أَنۡ إِذَا سَمِعۡتُمۡ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ يُكۡفَرُ بِهَا وَيُسۡتَهۡزَأُ بِهَا فَلَا تَقۡعُدُواْ مَعَهُمۡ حَتَّىٰ يَخُوضُواْ فِي حَدِيثٍ غَيۡرِهِۦٓ إِنَّكُمۡ إِذٗا مِّثۡلُهُمۡ﴾ [النساء: 140].

«خداوند در كتاب (قرآن، اين حكم را) بر شما نازل كرده است كه چون شنيديد به آيات خدا كفر ورزيده مي‌شود و آيات خدا ببازيچه گرفته مي‌شود، با چنين كساني منشينيد تا آنگاه كه به سخن ديگري بپردازند (دست از كفر و شوخي نا بهنجار خود بردارند) بي‌گمان در اين صورت (كه با ايشان همنشين مي‌شويد و به استهزاء آنان گوش فرا مي‌دهيد) شما هم مثل آنان خواهيد بود (و در استهزاء به قرآن شريك ايشان خواهيد گشت)».

اين ثابت مي‌نمايد كه هر كس با اهل منكر همنشين گردد و خود را از آنان جدا نكند، از آنان بحساب مي‌آيد.

پس وقتي ساكت از منكر مانند اهل منكر بحساب آيد، كساني كه به منكر امر مي‌كنند و يا به آن راضي هستند بايد جرمشان سنگين‌تر و حال و وضعشان در قيامت وخيم‌تر باشد، و دليل بر اين مدعي بسيار است و هر كس كه بخواهد در جاي خود مي‌تواند آنرا بيابد.

از آنچه گذشت در اين جواب با استدلال به احاديث و نظرية علما براي كسي كه خواهان حق و حقيقت است روشن شده است كه آنچه ما امروزه در مجلات و روزنامه‌ها و مطبوعات بطور عام مي‌بينيم، كه در كشيدن تصاوير موجودات جاندار فرو رفته‌اند، خطايي بزرگ و گناهي آشكار است كه بر هر نفس آگاه و روشني واجب است كه از آن برحذر باشد و برادران ايماني خود را نيز از آن دور نمايد و مردم را نصيحت كند و خود و ديگران را به توبه نصوح دعوت نمايد.

علاوه بر اين، بايد در نابود كردن اين همه تصاوير بكوشد؛ زيرا آنگونه كه در احاديث گذشته استنباط مي‌شود نبايد اين تصاوير را به حال خود رها نمود بلكه بايد يا سر آنها را قطع نمود و يا آنها را پاك نمود مگر اينكه اين تصاوير بر روي پارچه‌ها و وسائلي باشند كه خوار و بي‌ارزش معنوي هستند كه در اين صورت اشكالي ندارد همانطور كه در حديثي كه عايشه و ابو هريره نقل نمودند پيدا است.

و اما آنچه بصورت عروسك بر شكل موجودات زنده درست شده‌اند مورد اختلاف علماء مي‌باشد كه آيا درست است آنرا براي دختر بچه‌ها درست نمود و يا خير؟

همانطور كه در صحيحين ثبت گرديده عايشهل مي‌فرمايد: نزد پيامبر با عروسكها بازي مي‌كردم و من دوستاني داشتم كه با من بازي مي‌كردند وهنگامي كه پيامبرص مي‌آمد پخش مي‌شدند و پيامبر آنها را پيش من مي‌آورد تا با من بازي كنند.

حافظ ابن حجر در فتح الباری مي‌گويد: به اين حديث استدلال شده بر اينكه برداشتن عروسكها براي دختران تا با آن بازي كنند جايز است و اين مسأله از عموم نهي حديث تخصيص داده شده، و قاضي عياض/ نيز بر همين تاكيد مي‌كند و از جمهور هم نقل كرده كه خريد و فروش اسباب بازي براي دختران جايز است تا از همان دوران كودكي تربيت شوند براي كارِ خانه و تربيت فرزندان. حافظ مي‌گويد: و بعضي هم مي‌گويند اين روايت منسوخ است و ابن بطال هم به اين نظريه تمايل دارد، و ابن ابي زيد از مالك نقل مي‌كند كه او مكروه دانسته كه مرد براي دخترش عروسك بخرد به همين خاطر داودي ترجيح داده كه اين روايت منسوخ است.

 ابن حبان مي‌گويد اين روايت دليل بر مباح بودن بازي كردن با اسباب بازي است، و نسائي معتقد است كه مباح است براي مرد كه اسباب بازي را براي زنش تهيه نمايد و اين مخصوص كودكان نيست كه اين نظريه خالي از اشكال نيست. بيهقي بعد از تخريج اين احاديث مي‌گويد: نهي از برداشتن تصاوير و تمثال ثابت است و رخصتي كه براي عايشه در نظر گرفته شده است حمل بر قبل از تحريم مي‌شود، و ابن الجوزي نيز همين را مي‌پذيرد و مي‌گويد: ابو داود و نسائي از طريقي ديگر از عايشهل نقل مي‌كنند كه فرمود: پيامبرص از غزوه تبوك يا خيبر برگشت و حديث پاره كردن پارچة سرِ دَرِ خانه را ذكر كرد و عايشه گفت: گوشه‌اي از پرده نمايان گشت كه اسباب بازي‌هاي من در آن بود. پيامبرص فرمود: عايشه اين چيست؟ عايشه فرمود: دخترانم هستند و عايشه گفت: در ميان اسباب بازيها اسبي بود كه دو بال داشت. پيامبرص فرمود: اين چيست؟ عايشه گفت: اسب است. پيامبرص فرمود: اسب با دو تا بال؟ گفتم: مگر نشنيده ايد كه سليمان اسب‌هايي داراي دو بال داشت؟ پيامبرص خنديدند .. تا آنجا كه مي‌گويد: خطّابي در باره اين حديث مي‌گويد: بازي كردن با عروسك‌ها مانند بقيه تصاوير نيست كه در برگيرنده تهديد و وعيد هستند، و رخصتي كه براي عايشه در نظر گرفته شده بخاطر اين بوده كه در آن موقع او به حد بلوغ نرسيده بود.

مي‌گويم: قطعيت نهادن بر سر اين مسأله خالي از اشكال نيست، هر چند احتمال آن هست؛ زيرا عايشه در غزوه خيبر دختري چهارده ساله بود يا چهارده سال را تمام كرده بود و يا بيشتر بود و يا نزديك به چهارده سال بود ولي در غزوه تبوك قطعاً به حد بلوغ رسيده بود، پس روايت آنكه مي‌گويد این واقعه در غزوه خيبر اتفاق افتاده ترجيح داده مي‌شود، و با آنچه خطابي مي‌گويد جمع مي‌شود و اين از تعارض بهتر است.

از مجموع اقوال دانسته می شود، آن حضرتص كه اسباب بازي‌هاي به تصوير كشيده شده و تمثالها را از بین نبرد چون احتمال دارد بازي عايشه با اسباب بازيها قبل از دستور به از بين بردن تصاوير و تمثال بوده باشد، در اين صورت اين حديث با احاديثي كه امر به نابودكردن تصاوير هست، نسخ شده است، غير از تصاويري كه سر آنها قطع شده است و يا تصوير بر پارچه يا كاغذي باشد كه بي‌ارزش و بي‌اهميت است، همانگونه كه بيهقي وابن الجوزي مي‌گويند و ابن بطال هم آن را ترجیح داده‌است.

و احتمال دارد از عموم نهي تخصيص شده، همانطور كه جمهور مي‌گويند به خاطر تمرين و تربيت دختران و نيز بازي كردن دخترها با اين تصاوير باعث بي‌حرمتي اين اشكال مي‌شود. و با وجود احتمال مذكور و شك در حلال بودن آن، احتياط آن است كه تركش نمود، و دختران را با اسباب بازيهاي غير مصور بايد تربيت كرد بخاطر دوري جستن از باقي ماندن تصويرها و مجسمه‌ها و نيز عمل نمودن به مضمون اين حديث پيامبرص كه مي‌فرمايد: «دَعْ مَا يَرِيبُكَ إِلَى مَا لا يَرِيبُكَ». و نيز فرمايش پيامبرص در حديث نعمان بن بشير كه در صحيحين آمده: «الْحَلالَ بَيِّنٌ وَالْحَرَامَ بَيِّنٌ وَبَيْنَهُمَا مُشْتَبِهَاتٌ لا يَعْلَمُهُنَّ كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ، فَمَنِ اتَّقَى الشُّبُهَاتِ فَقَدِ اسْتَبْرَأَ لِدِينِهِ وَعِرْضِهِ ، وَمَنْ وَقَعَ فِي الشُّبُهَاتِ وَقَعَ فِي الْحَرَامِ ، كَالرَّاعِي يَرْعَى حَوْلَ الْحِمَى يُوشِكُ أَنْ يَقَعَ فِيهِ».

يعني: «حلال روشن است و حرام نيز مشخص است ولي ميان آن دو اموري است كه مشتبه هستند، و بسياري از مردم نمي‌دانند. پس كسي كه از شبهات دوري جويد، دين و ناموس خويش را از حرام تبرئه نموده است، و كسي كه وارد شبهات شود، وارد حرام گشته است همچون چوپاني كه در حول و حوش حريم ممنوعه حيواناتش را مي‌چراند، ممكن است كه داخل منطقة ممنوعه شود».

والله أعلم بالصواب

وصلی الله علی نبينا محمد وعلی آله وصحبه وسلم.

1. - لفظ مسلم. [↑](#footnote-ref-1)
2. - لفظ بخاري. [↑](#footnote-ref-2)
3. - متفق عليه. [↑](#footnote-ref-3)
4. - لازم به ذکر است که در تصویر الکترونیکی با دروبین عکاسی و غیره اختلاف هست و غالب علمای جهان اسلام آن را مجاز می دانند، همانطور که اکثریت علما تصاویر جاندارانی را که با دست کشیده می‌شود ناجایز می‌دانند. [↑](#footnote-ref-4)
5. - رواه البخاري ومسلم. [↑](#footnote-ref-5)
6. - متفق عليه واللفظ لـمسلم. [↑](#footnote-ref-6)